

از لابلای یادداشت‌ها و نوبت‌های روزمره ام

عملیات ویژه تنبیهی - تاکتیک‌های جدید امریکایی در کشور ما تلاش‌ها بمنظور تغذیه گرگان و هم بمنظور سالم ماندن گوسفندان آیا مدعیان غربی، صدای شکستن غرورها را می‌شنوند؟

شاخه‌های نامراد وجود تنومند و تیرهای سرنگون ساز
جماعتی خاموش، هراسان و گریزان از خود
کاریمای نفرین شده در سرزمین کشور ما
پیوند زدن نسلی به گذشته

در مورد عملیاتها و تداوم اقدامات شگفت‌انگیز اجتماعی و تاریخی، همانند سایر مفاهیم، تعریف‌های گوناگونی بیان شده است که هر کدام بیانگر نگرش خاصی به موارد یادشده می‌باشد. بگونه معمول، ارزیابی جنگ‌ها در چارچوب معیار "هدف - نتیجه" و بآموزش گذاشتن نظریه "بُرد - باخت" و چارچوب نظریه "بُرد - باخت" مبتنی می‌باشد. این نظر به برپایه دوفهم قبلی پیروزی و شکست بنا شده و بیان‌کننده این واقعیت می‌باشد که کشورها تازمانی میتوانند بمنظور تحقق اهداف شان به جنگ ادامه دهند که توان نظامی، سیاسی و روانی داشته باشند. اما کشور عزیز ما افغانستان بمتابعت منطقه حایل بین دوامپرا طوری روسیه و بریتانیا قرار داشت و هر دو دولت می‌کوشیدند با نفوذ بر کشور ما، نقش منطقه‌ی قدرتمندی از خود بروز دهند. در امتداد سال‌های ۸۰ سده ۲۰، جایگاه کشور ما در مجموعه سیاست خارجی ایالات متحده ارتقا یافته و کشور ما به منطقه‌ای بمنظور تداوم رقابت و منازعه میان دو ابرقدرت مبدل گردید. با توسعه روزافزون و همه‌جانبه قدرت چین، هسته‌ی شدن هند و پاکستان و تلاش‌های ایران بمنظور دستیابی باین فناوری، احیای مجدد قدرت نظامی روسیه و منابع سرشار انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز و موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و جغرافیای ستراتیژیک افغانستان برای ایالات متحده بیش از پیش آشکار گردید.

نخست از همه و بمتابعت شروع کلام، سخن را از اینجا آغاز باید نمود که درگیریهای مسلحانه و آغاز حملات گسترده نظامی و جنگی برهبری ایالات متحده در اراضی کشور ما، اینک وارد دومین دهه گردیده و بمتابعت طولانی‌ترین جنگ تاریخ آنکشور که با بن بست مواجه گردید، پنداشته می‌شود. در شرایط و وضعیت کنونی، آنچه از سربازان امریکایی که پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ دنیا آمده‌اند، مشغول پیشبرد ماشین جنگی ایالات متحده در سرزمین کشور ما می‌باشند. جامعه امریکایی، بمفهوم واقعی کلمه، از جنگ در افغانستان واقف در مانده شده‌اند. مطابق همه پرسش‌های انجام شده، در امتداد سال‌هایی که پشت سر گذاشته شد، بتعداد ۴۶ درصد از شهروندان ایالات متحده، طرفدار فراخواندن نظامیان کشورشان از افغانستان بوده و اما ۳۰ درصد آنها هم تا حدودی، فراخواندن نظامیان امریکایی را بخانه مطالبه می‌نمایند. با این حال، نه اصل تلفات نظامیان امریکایی و نه بهدر رفتن وجوه اقتصادی، مانند آنچه در جنوب شرق آسیا در مخالفت و اعتراض علیه جنگ ویتنام، سبب ساز برپایی تظاهرات علنی ضد جنگ گردید، در کشور ما اتفاق نخواهد افتاد. شرایط و وضعیت اینچنینی، بخودی خود، عدم علاقه و عدم رضایت امریکایی‌ها را از تداوم جنگ آنهم در فاصله‌های دور از کشورشان ببار می‌آورد.

علاوه بر آن، بخش قابل ملاحظه سلسله مراتب سیاست خارجی ایالات متحده بگونه‌ی واضحی در قبال تلاش‌های روسای جمهور بارک اوباما و دونالد ترامپ مبنی بر اصل فراخواندن نظامیان آن کشور از اراضی متعلق به افغانستان و از مناطق و محلات مربوط بشرق میانه، مشکلات و موانعی ایجاد کرده و خروج نظامیان امریکایی

از مناطق یادشده را بمثابة شکست تحقیرآمیز و تضعیف اعتبار و حیثیت کشورشان تلقی می نمایند. در این میان، با تغییر تاکتیک عملیات جنگی و محاربه‌ی درکشورما، از یکجانب دستان سیا بمنظور گسترش طیف وسیعی از عملیات مخفی در اراضی کشورما بازگذاشته شده و از جانب دیگر، برای سازمان یادشده، امکان استفاده گسترده از واحدهای ویژه افغان‌های آموزش دیده توسط امریکایی‌ها نیز مساعد و مهیا گردید. بسیاری‌ها اجتماعت یادشده را بمثابة "گروه‌های کشتار" نامیدند. اما "افغانی‌سازی" عملیات مخفی سیا، بخودی خود سبب "تضعیف قاعده جنگ" گردید. با موجودیت شرایط و وضعیت موجود، جنگ و درگیری‌های مسلحانه درکشورما ممکن بگونه دوامداری تداوم یابد، چه بیشتر از این، به سهمگیری مستقیم نظامیان امریکایی در درگیری‌های موجود درکشور ضرورتی احساس نگردیده و مسؤلیت پیشبرد جنگ درکشور را قوت‌های مسلح کشورما برعهده دارند. وسایل اطلاعات جمعی در داخل ایالات متحده چنین می‌پندارند که اقدامات دونالد ترامپ در مورد حاضر نمودن طرف‌های درگیر منازعه بدور میز مذاکره در داخل افغانستان، زمینه‌های وسیعی را بمنظور ختم جنگ درکشور بسیار خواهد آورد.

بخاطر داریم که بزودی پس از مراسم تحلیف در ماه جنوری سال ۲۰۱۷، رئیس‌جمهور ترامپ به نظامیان و مشا و رانش در شورای امنیت آن کشور وظیفه سپرد تا در مورد تدوین ستراتیژی جدیدی بمنظور اجرای عملی و عده‌های انتخابات ریاست جمهوری اقدام نمایند که فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان بخش عمده آن را تشکیل می‌داد.

دونالد ترامپ در نظر داشت تا با استفاده از اصل فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان، "طالب"‌ها را به میز مذاکره با جانب دولت افغانستان بکشاند. در امتداد ماه اکتوبر سال ۲۰۱۷ که مایک پامپیو، مسؤلیت ریاست سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) را عهده دار بود، در نظر داشت تا اداره تحت امرش با اقدامات سختگیرانه‌ای علیه "طالب"‌ها متوسل گردد. مطابق اظهارات نامبرده، سیا "با توجه به شهرتش، باید پرخاشگر، نابخشودنی و بیرحم باشد". نامبرده نگفت که "سیا" در کجا باید به چنین عملکردی متوسل گردد. اما بزودی پس از آن، "سیا" به گسترش و وسعت بخشیدن به ساحة عملکردهایش درکشورما متوسل گردیده و زمینه همکاری‌های تنگاتنگ نیروهای عملیات‌های ویژه ایالات متحده با استخبارات افغانستان را فراهم نمود. اما بگونه کلی، اهداف عملیات "سیا" درکشورما تقلیل حاصل نموده و در سطح آمادگی‌ها از حداکثر به حداقل تنزیل نمود. هدف و منظور عملیات "سیا" عمدتاً متوجه فرماندهان محلی و گروه‌هایی موجود "طالب"‌ها در محلات گردید.

ترامپ، فرماندهان قبلی را برکنار نموده و در صدد آن شد تا عده‌ای از آنها را بدلیل انجام اقدامات جنایتکارانه، از صحنه حذف نماید. رئیس‌جمهور ترامپ منع استفاده و بکارگیری از زمین‌های زمینی توسط نظامیان امریکایی را لغو نموده و نظامیانی را که به قتل افغان‌ها متهم شده بودند نیز عفو نمود. در امتداد ماه سپتامبر سال ۲۰۱۹، ایالات متحده علیه مقام‌های بلند رتبه محکمه بین‌المللی عدالت لاهه که نظامیان امریکایی را به قتل و کشتار عمدی افراد ملکی و غیرنظامیان افغان متهم نموده بود، تعزیراتی را وضع نمود. وزیر امور خارجه ایالات متحده، فعالیت‌های محکمه یادشده را بمثابة اقدامات غیرقانونی و عملکردی بمنظور پیروی و محترم شمردن صلاحیت قضایی محکمه بین‌المللی هاگ محسوب نمود.

ترامپ پس از کشته شدن یک تن از سربازان کشورش در افغانستان، مذاکرات با "طالب"‌ها را بحالت تعلیق درآورد. در همین روز کشته شدن سرباز یادشده، مایک پامپیو متذکر گردید که در امتداد ده روز پسین، بیشتر از ۱۰۰۰ تن از جنگجویان "طالب" کشته شدند. اینکه کی و کجا کشته شده و بخاک و خون کشیده می‌شوند، پرسش قابل بحث محسوب می‌گردد.

ملاقات و مذاکرات در دوحه بتاريخ ۲۹ ماه اکتوبر سال ۲۰۱۹ از سر گرفته شده و بتاريخ ۲۹ ماه فیبروری سال ۲۰۲۰، "طالب"‌ها با ایالات متحده توافقنامه‌ای را با مضامین رسانیده و هر دو جانب متعهد به کاهش تنش و قطع درگیری‌های مسلحانه درکشور گردیدند. در امتداد مدت زمان بهار - تابستان سال یادشده، تنها عملیات یگانه‌ای راه اندازی گردید و نه بیشتر از آن. این نوع پویایی، ماهیت نظامی - سیاسی فعالیت‌ها و عملکردهای واحدهای "سیا" را درکشورما آشکار می‌سازد. با این حال، مشخص نیست که آیا موضوع یادشده در پیوست با توافقنامه‌ها گنجانیده شده است یا نه؟

همانگونه که ایالات متحده در صدد فراخواندن نظامیان از افغانستان می‌باشد، به تناسب معین، امکانات تدارکاتی و کمک‌های "سیا" نیز به قوت‌های مسلح قطع می‌گردد. حتا اگر بگونه دوامداری اصل فراخواندن نظامیان

میان امریکایی از کشور ما نیز جنبه عملی بخود اختیار نماید، "سیا" می تواند امکانات عملیاتی را برای بخش های افغانی خویش نیز فراهم نماید. اما اگر "سیا" بانحلال آنها اقدام نماید، این امکان نیز عملن بوجود خواهد آمد که مجددن بمثابه ارتش ها و دسته بندی های شخصی نظامی وارد عرصه و میدان گردند.

در دوران زمامداری بارک اوباما (۲۰۱۰) در ایالات متحده که جو بایدن مسؤلیت معاونیت ریاست جمهوری کشورش را عهده دار بود، بمنظور اتخاذ رویکرد نیرومند تر نظامی، بشمار طیاره های بدون سرنشین، افزایش قابل ملاحظه ای بعمل آورده و به تعداد نیروهای خدمات ویژه آنکشور نیز افزود.

در گذشته های نه چندان دور، بویژه طی مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، جو بایدن ضمن اظهاراتی بیان نمود که "جنگ های ابدی و همیشگی باید پایان یابند". در عین زمان نامبرده ادعا نمود کایالات متحده به حفظ و نگهداری بخشی از نظامیان در افغانستان، ضرورت دارد. از موضعگیری یادشده نامبرده چنین استنباط می گردد که همزمان با فراخواندن قسمی نظامیان امریکایی، بنحوی در افغانستان باید ماندگار شد. در مطابقت با تاکتیک های ترامپ مبنی بر تداوم انجام عملیات های مخفی و سری "سیا" بمنظور نظارت بیشتر ایالات متحده بر افغانستان اما با بکارگیری اندکترین و کم عده ترین بخش قوت های مسلح آن کشور باید تأمین گردد.

مدتی قبل، دروسایل اطلاعات جمعی ایالات متحده مسایلی بنشر رسیده کاز جمله باین موضوع اشاره شده است که ایالات متحده در مقابل "انتخاب دشواری" قرار دارد. یا فراخواندن همه نظامیان آن کشور الی ماه می سال ۲۰۲۱، یا حفظ و نگهداری ۲۵۰۰ تن از نظامیان آن کشور و تمدید مدت زمان مأموریت آنها در افغانستان و انجام عملیات ضد تروریستی و تداوم مبارزه علیه نیروهایی که با موجودیت حاکمیت سیاسی افغانستان مخالفت می ورزند.

آیا با فعالیت ها و انجام عملکردهای ضد تروریستی "سیا"، ایالات متحده قادر خواهد بود تا از شکست کامل نظا میان آن کشور در افغانستان، بدون قطع کامل جنگ در آینده های قابل پیشبینی، اطمینان حاصل نماید؟

سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده در مورد ایجاد، تقویه و پشتیبانی مادی و تسلیحاتی از دستجات مسلح محلی از سابقه درخشانی (!) برخوردار می باشد. از جمله می توان از انجام فعالیت های اینچینی در یونان، کوبا، ویتنام، لاؤس و کشورهای امریکای مرکزی و همچنان از حمایه و پشتیبانی بیدریغ مجاهدین افغان طی سال های ۸۰ نامبرد.

سیا، درگیری کنونی در کشور ما را بمثابه جنگ خودش تصور می نماید. سهمگیری سازمان یادشده در حوادث مربوط بکشور ما، بویژه از سال ۲۰۰۱ ببعده، بگونه بی سابقه ای گسترش و وسعت حاصل نمود. طی سال ۲۰۱۳، سیا مبلغ ۲٫۵ میلیارد دالر، یعنی در حدود ۵ درصد وجوه تخصیص داده شده استخبارات آنکشور را بمنظور انجام وظایف سری در افغانستان بدست آورد.

در مدت زمان انجام عملیات محاروبی سال ۲۰۱۸ در کشور ما، نیروهای ویژه افغانی که توسط بخشهای عملیاتی سیا آموزش دیده بودند، در عملیات های مورد نظر سهم فعالی گرفته و از نقش مهمی برخوردار بودند.

نیروهای یادشده کشور که بنام نیروهای "۰۱" مسمأ گردیده بودند، بویژه در ولایت های مرکزی افغانستان، به شمول وردک و لوگر، عملیات های گسترده ای را سازماندهی و اجرا نمودند. زیرمجموعه های "۰۲" در جلال آباد جابجا گردیده و بانجام و اجرای عملیات های مسلحانه در شرق کشور مبادرت ورزیدند. بخش هایی از قوت های "۰۳" بمثابه نیروهای تهاجمی در کندهار اطراق نموده و با اجرای عملیات های نظامی و محاروبی در جنوب و قطعات "۰۴" بانجام و اجرای فعالیت های محاروبی در کنرو بخش های شمال شرقی کشور مؤظف گردیدند.

این تصور وجود داشت که قطعات نظامی موجود در بخش های جنوب شرقی کشور، "نیروهای دفاع از خوست" و "نیروهای شاهین" با قدرت و توان مشابه در ولایت شرقی پکتیا اخذ موقع نموده و بانجام و اجرای عملیات های بی مبادرت ورزند. قوت های شبه نظامی بگونه منحصر بفردی توسط سیا سازماندهی گردیده که تحت نظارت مقامات دولتی کشور قرار نداشته و یکجا با متصدیان امریکایی با اجرای وظایف و مسؤلیت های شان مبادرت میورزند. تعلیم و تربیه و آموزش بخش های تهاجمی اردوی کشور نیز توسط مسؤلان امریکایی انجام می پذیرد. شرایط و چگونگی انجام تعلیم و تربیه در بخش های یادشده در مقایسه با بخش های دیگر قوت های مسلح کشور، نهایت با دسپلین بوده و با سختگیری هایی نیز همراه می باشد. آنها نه تنها متصدی آموزش نظا میان افغان بوده، بلکه اهداف مورد نظر را نیز واضح و مشخص می نمایند. نام ها و اسمای حقیقی آنها حتا در

بخش های مربوطه آنها میزمشخص نبوده و مخفی نگهداشته می شود.

افسران سیا، در موارد مختلفی که مطمح نظرشان می باشد، به برنامه ریزی هایی مبادرت ورزیده، جلسات مشا بهی را بمنظور انجام عملیات ویژه رویدست گرفته و واحد ها و قطعات نظامی کشور را بویژه هنگام انجام و اجرای عملیات ها و سازماندهی حملات موردنظر، همایی می نمایند. قطعات ویژه افغان، بمنظور اجرای حملات بر مواضع طرف مقابل، از هلیکوپترها نیز استفاده بعمل آورده و همچنان، فعالیت های محاروبی نظامیان کشور تحت حمایت آتش توپخانه و هواپیماهای جنگی ایالات متحده انجام می پذیرد.

در عملیات مورد نظر، قطعات ۷ نفره و یا ۱۰ نفره افغانی را یک نفر مشاور سیا همراهی می نماید. با هر مشاور یک ترجمان افغان همراه بوده و هدایت و رهبری عملیات موردنظر، نیز بر عهده افسران سیا می باشد. همچنان قابل یاددانهایی پنداشته می شود که چه حملات هوایی و چه عملیات زمینی، بگونه گلی، تحت حمایت و پشتیبانی واحد های خدمات ویژه اجرایی گردد. همچنان طرح های فرماندهی به سیا اجازه داده و شرایط را بمنظور دور زدن از محدودیت های اعمال شده بر سربازان تحت امر پرسونل منظم ارتش فراهم می نماید. بر بنیاد اطلاعات و گزارش های بنشر رسیده، قطعات ویژه نظامیان افغان از مدرک عواید پُر درآمد بوده و بگونه ای در وضعیت ممتازی قرار دارند. چنین ادعا می گردد که هر جنگجوی افغان قطعات تهاجمی سیا، ماهانه مبلغ ۶۰۰ الی ۱۸۰۰ دالر مزد دریافت می نمایند و این درحالیست که به سربازان درجه پایین قوت های مسلح کشور از ۲۱۰ الی ۲۳۵ دالر، آنهم به پول رایج افغانی تأدیه می گردد.

نباید فراموش خاطر ما گردد که صدای زوزه مانند هواپیماهای بدون سرنشین، بویژه هنگام شب بمثابة نخستین نشانه درد سر برای مردم و باشندده های محلی محسوب می گردد. افراد و اشخاصی که با صورت و چهره های کاملن پوشیده، وارد محلات و جاده های کشور شده و به قتل و آدمکشی می پردازند. بویژه در ولایت وردک کاغلب اوقات تحت تسط "طالب" ها قرار داشت، شاهد عملیات اینچنینی توسط بخش های "۰۱" سیا بودیم.

باشنده های محلات چهارگانه وردک شامل نرخ، چک، سیدآباد و دایمرداد به خبرنگاران از کشتن، بستن و تیر باران نمودن اهالی ملکی و اجرای بمباردمان های هوایی بر مراکز بهداشتی که در آنها بگونه عمده افراد باشنده های ملکی کشور تدای می کردند، حکایت نمودند. قرار اظهارات باشنده های محل، در نتیجه عملیات های نظا می، هیچ فردی از "طالب" ها، نه کشته و نه زخمی شده، بلکه این شهروندان ملکی بی دفاع کشور ما متحمل تلفات جانی و مالی می کردند.

قرار اطلاعات بنشر سپرده شده، در نتیجه عملیات قطعات "۰۱" در ولایت وردک، بتعداد ۵۱ تن از افراد ملکی بی دفاع کشور از زندگی ساقط گردیدند.

قتل های بدون انجام محکمه و تحقیق، بامر عادی و معمولی مبدل گردیده است. بسیاری از این انسان کشی ها بگونه گلی در نتیجه حملات هوایی توسط جنگنده های امریکایی انجام می پذیرد. دوسال قبل، در نتیجه حملات هوایی قطعات "۰۱" بر مدرسه ای در وردک، بتعداد ۱۲ تن از جوانان دانشجو کشته شدند. بگونه مجموعی، در نتیجه چهار حمله اینچنینی قطعات "۰۱" بتعداد ۳۳ تن شامل جوانان نوبالغ و اطفال بخاک و خون کشیده شدند. "۰۱" نه تنها در صدد کشتن و از میان برداشتن دشمنان و رقیبان موجود بوده، بلکه آینده بالقوه در کشور را نیز از بیخ و بن برمی کند. این هم کاملن واضح و بر ملا می باشد که "طالب" ها نیز شاگردان مدرسه را با استفاده از شیوه های مختلفی به پیوستن به جهاد تشویق و ترغیب می نمایند.

سال پار، موسسیدان ولایت وردک، با رئیس جمهور اشرف غنی ملاقات نموده و بویژه خواستار قطع و توقف حملات تنبیهی شبانه توسط هواپیماهای نظامی و پایان بخشیدن به قتل و کشتن افراد ملکی بویژه در محلات کشور گردیدند.

اما قطعات "۰۱" افغان و مریبان امریکایی آنها بگونه عملی، به چنین خواست و آرزومندی افغان ها اصلن وقعی نگذاشته و آنرا جدی تلقی ننمودند.

قابل یادآوری پنداشته می شود که زیر مجموعه های افغانی سیا در سایه نظامیان افغان همچنان به موجودیت شان ادامه داده و این درحالیست که دولت کشور از هیچگونه نظارتی بر آنها برخوردار نمی باشد.

یکشنبه ۲۱ ماه جدی سال ۱۳۹۹ خورشیدی